

تأملی بر نقش زائران ایرانی در رونق اقتصادی عتبات عالیات

(در نیمه نخست قرن بیستم)*

_____ سجاد دادفر**

چکیده

بررسی زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی شهرهای عتبات عالیات، نشان می‌دهد که همواره ارتباط نزدیکی بین ورود زائران و توسعه اجتماعی و اقتصادی این شهرها وجود داشته است. در طی قرن نوزدهم، اکثر زائران عتبات را ایرانیان تشکیل می‌دادند، به گونه‌ای که سالانه در حدود صد هزار زائر ایرانی به قصد زیارت، وارد عراق می‌شدند. حضور زائران، علاوه بر رونق اقتصادی و تجاری عتبات، زمینه‌های اشتغال بخش‌هایی از جامعه شیعی عراق را فراهم می‌نمود. اما به دنبال جنگ جهانی اول و استقلال عراق از امپراتوری عثمانی، به تدریج و تحت تأثیر عواملی چند، از حضور زائران ایرانی در عراق کاسته شد. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال آن است تا با بررسی نقش زائران ایرانی در رونق اقتصادی عتبات عالیات در نیمه اول قرن بیستم، عوامل مؤثر بر شدت و ضعف این مسئله را مورد توجه قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: عتبات عالیات، عراق، زیارت، ایران.

* تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۴/۲۶.

E-mail: sdadfar@razi.ac.ir

** تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۳/۲.

استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه.

مقدمه

اهمیت عتبات عالیات به عنوان مهم‌ترین مراکز دینی و آموزشی جهان تشیع، باعث گردیده است تا شیعیان جهان، از جمله ایرانیان، از دیرباز توجه ویژه‌ای به این شهرها داشته باشند. پس از سقوط دولت صفویه و انتقال مراکز علمی و فقهی شیعه از اصفهان به شهرهای نجف و کربلا، توجه ایرانیان به عتبات عالیات افزایش یافت. هر ساله تعداد کثیری از ایرانیان به عزم زیارت، راهی عراق می‌شدند. حضور بیشتر زائران، موجب رونق اقتصادی شهرهای مذهبی و رفاه بیشتر ساکنان آن می‌گردید. پس از جنگ جهانی اول و استقلال عراق از امپراتوری عثمانی، ورود زائران ایرانی به عتبات با محدودیت‌های خاصی همراه گردید. از یک سو دولت‌های حاکم بر عراق به منظور کاهش نفوذ ایرانیان و تقویت جایگاه اقتصادی و اجتماعی بغداد در برابر عتبات عالیات، تلاش نمودند تا از ورود گسترده ایرانیان به عراق جلوگیری نمایند. از سوی دیگر سیاست‌های رضاشاه در اعمال محدودیت‌های اقتصادی، اجتماعی و مذهبی علیه عتبات، باعث گردید تا اوضاع اقتصادی این شهرها مختل گردد. به نظر می‌رسد کاهش سفرهای زیارتی ایرانیان به عتبات، پس از استقلال عراق، نقش مهمی در رکود اقتصادی آن شهرها، از جمله نجف و کربلا داشته است. این مسئله در زمان حاکمیت حزب بعث و با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تشدید شد. بررسی حضور زائران ایرانی در عتبات و نقش آنها در رونق اقتصادی این شهرها، محور پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

ایرانیان و توجه به عتبات عالیات

بررسی زیرساخت‌های اقتصادی عتبات عالیات نشان می‌دهد که ورود زائران و درآمدهای ناشی از آن، همواره یکی از مهم‌ترین منابع درآمد این شهرها را تشکیل

تأملی بر نقش زائران ایرانی در رونق اقتصادی ... ۳۱

می‌داده است. برخلاف سفر زیارتی حجّ که بر تمام مسلمانانی که واجد شرایط جسمی و مالی لازمند، واجب است و در ماه ذیحجه برگزار می‌شود، زیارت امامان، مختصّ شیعیان است و محدود به زمان مشخصی از سال نیست. اما با این حال، زیارت در برخی از مناسبت‌های ویژه، چون ایام ولادت و شهادت ائمه، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در میان اماکن مقدّس عراق، شهرهای کربلا و نجف از جایگاه ویژه‌ای در نزد شیعیان برخوردارند. توجه به اماکن مقدّس شیعه در عراق، همواره مورد عنایت ایرانیان بوده است. در دوران حکومت شیعی مذهب آل بویه، این توجه بیشتر شد، اما گسترش آن در مقیاس وسیع‌تر بعد از تثبیت حکومت صفویه در ایران و رسمی شدن مذهب شیعه آغاز گردید. با سقوط دولت صفویه در سال ۱۷۲۲م/ ۱۱۳۴ق به دست افغانه سنی مذهب و انتقال مرکز علمی و فقهی شیعه از اصفهان به کربلا و سپس نجف (از اواسط قرن هجدهم) زیارت و ورود زائران، با توسعه اجتماعی و اقتصادی این دو شهر ارتباط نزدیکی پیدا نمود و موقّیّت مجتهدین شیعه را در برابر حکام عثمانی تقویت نمود. (Litvak, 1999: 23)

در کنار این مسئله، از عوامل مهم دیگری که تأثیر بسزایی در توجه بیشتر به اماکن مقدّس شیعه در عراق طیّ قرن نوزدهم داشته است، می‌توان به؛ حملات وهابیون به شهرهای کربلا و نجف و تحریک احساسات مذهبی شیعیان. (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۷۸) تغییر مذهب گسترده قبایل عراق به تشیع (الحیدری، ۱۹۹۸: ۱۰۸-۱۲۲) و بهبود روابط دولت‌های ایران و عثمانی بعد از معاهده ارزنة‌الروم دوم اشاره کرد. (النجار، ۱۹۸۰: ۵۸-۶۰) در طی قرن نوزدهم، ایرانیان و هندی‌ها اکثریت زائران شهرهای مقدّس را تشکیل می‌دادند؛ به گونه‌ای که براساس آمارهای موجود، سالانه حدود صد هزار ایرانی به قصد زیارت عتبات وارد عراق می‌شدند. (مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، پرونده شماره ۸، کارتن ۱۲، سال ۱۳۲۱ق) در

۳۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

گزارشی که در سال ۱۹۲۳م/ ۱۳۴۱ق یکی از مأموران سیاسی ایران در عراق، در مورد ایرانیان ساکن در آن کشور و مشکلات آنان تنظیم کرده، آمده است:

از دیرزمانی به این طرف، عده کثیری از ایرانیان به عزم زیارت عتبات عالیات همه‌ساله به بین‌النهرین مسافرت می‌نمایند. در این سنوات اخیر، عده آنها هر سال به چهل الی پنجاه هزار نفر می‌رسد. زوآر مذکور، اغلب پس از ورود به بین‌النهرین یا به واسطه استیصال و پریشانی و قلت مخارج مسافرت و یا به قصد مجاورت عتبات عالیات و یا بالاخص به واسطه اینکه در بین‌النهرین وسایل تجارت بیشتر و بهتر است، از مراجعت به ایران صرف‌نظر می‌کنند و شاید هر سال، اقلاً یک‌دهم از ایرانیان مسافر در بین‌النهرین توقف نموده و از مراجعت به وطن خود دست می‌کشند. به همین جهت، اکنون در بین‌النهرین، ایرانی‌ها کُلنی بزرگی تشکیل داده و در کُلئی شهرهای مقدسه و متبرکه، اکثریت دارند. (همان: پرونده شماره ۱۷، کارتن ۲۷، سال ۱۳۲۱ق)

تا قبل از جنگ جهانی اول، معمولاً زائران ایرانی از طریق دو مسیر وارد عراق می‌شدند. مسیر نخست که از شمال غرب ایران عبور می‌کرد، با عبور از شهرهای خانقین، بغداد، کاظمین و سامرا به شهرهای کربلا و نجف منتهی می‌شد و مسیر دوم که از جنوب ایران رد می‌شد، زائران را از طریق خلیج فارس به بندر بصره و از آنجا به طرف عتبات منتقل می‌نمود. (Nakash, 2003: 62) تا قبل از توسعه راه‌ها و گسترش سیستم حمل و نقل مدرن در قرن بیستم، سفر به عتبات عالیات برای قرن‌ها به معنای سفری طولانی، همراه با مشکلات و سختی‌های فراوان بود. در سال ۱۹۱۹م/ ۱۳۳۷ق یکی از مأموران بریتانیا در عراق، از گروهی زن و مرد سالخورده هندی یاد می‌کند که مسیر کراچی تا کربلا را به منظور زیارت و ادای احترام به مقام امام حسین در زمانی یازده‌ماهه و با پای پیاده طی نموده بودند. (Ibid: 165)

زائران و رفاه اقتصادی عتبات

اما در مجموع حضور بیشتر زائران در عتبات عالیات، به معنای رفاه بیشتر و تقویت موقعیت اقتصادی این شهرها بود. اهمیت و تأثیر این مسئله را از لابه‌لای گزارشی که در اواخر قرن نوزدهم درباره سفر ایرانیان به عتبات تهیه شده است، به خوبی می‌توان دریافت. در این گزارش که در سال ۱۸۷۵م/ ۱۲۹۲ق نمایندگان سیاسی انگلیس در عراق تدوین کرده‌اند آمده است:

سالانه و به طور میانگین، جمعیتی در حدود صد هزار نفر از زائران ایرانی وارد عراق می‌گردند، این زائران را می‌توان به سه طبقه غنی، متوسط و فقیر تقسیم نمود. با بررسی هزینه‌های رفت و آمد، اقامت و خرید، می‌توان گفت که این افراد، سالانه مبلغی را در حدود ۴۲۵۰۰۰۰ تومان، برابر ۱۰۷۰۰۰۰ پوند استرلینگ در عراق هزینه می‌نمایند. (Ibid: 166)

همچنین در گزارشی که در اوایل دی‌ماه سال ۱۳۰۲ش از کنسولگری نجف به تهران ارسال شده است، چهارده نوع درآمد در عراق که از طریق ایران و ایرانیان به عراق عاید می‌شد، مشخص گردیده که از جمله این عواید، موارد زیر مشخص شده است:

۱. وجوه ارسالی برای علما.
۲. وجوه خمس و زکات.
۳. ورود و خروج زوآر.
۴. عایدی مسافری ایرانی که از راه بین‌النهرین عازم کشورهای دیگر می‌شوند.
۵. عایدی حجاج از راه بین‌النهرین. (مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، پرونده شماره ۳۰،

کارتن ۲۷، سال ۱۳۰۲)

موارد فوق به خوبی بیانگر نقش و اهمیت اقتصادی ایرانیان در رونق اقتصادی عراق، به ویژه عتبات عالیات است. از این رو پیوند بسیار نزدیک و محکمی میان سفرهای زیارتی و اقتصاد شهرهای مقدس وجود داشت. حضور زائران، علاوه بر رونق اقتصادی و

۳۴ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

تجاری عتبات، زمینه‌های اشتغال بخش‌هایی از جامعه شیعی عراق را فراهم می‌نمود. تا قبل از جنگ جهانی اول، نحوه روابط و سیاست‌های دولت‌های ایران و عثمانی، عاملی مؤثر بر سفرهای زیارتی بود. (النصراوی، ۲۰۰۲: ۶۳) در اوایل دهه‌های ۱۷۳۰م/۱۱۴۲ق و ۱۷۴۰م/۱۱۵۲ق نادرشاه طی دو بار لشکرکشی، تصمیم به فتح عراق گرفت. یکی از نتایج این حملات، انعقاد پیمان‌نامه صلح کردان میان نادرشاه و عثمانی‌ها در سال ۱۷۴۶م/۱۱۵۹ق بود. از جمله مفاد اصلی این پیمان‌نامه، تعهد دولت عثمانی به تضمین امنیت و دسترسی آسان زائران ایرانی به عتبات عالیات بود. (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۳۰۴-۳۰۰) امضای این عهدنامه، به شکل محسوسی به بهبود وضعیت اقتصادی و رفاه طبقاتی جامعه شیعی عراق که حیات اقتصادی آنها مرتبط با مسئله زیارت بود، کمک نمود. (Litvak, 2003: 56)

وابستگی اقتصادی عتبات عالیات و حتی بغداد به مسئله زیارت، باعث می‌گردید تا دولت‌های حاکم بر ایران، در بعضی از مواقع، از این واقعیت به منظور اعمال فشار بر دولت عثمانی در راستای کاهش هزینه‌های تحمیل شده بر زائران ایرانی استفاده نمایند. (ابراهیم، ۱۹۹۸: ۲۶۵) علاوه بر این، گاهی اوقات وقوع حوادث و رخدادهایی می‌توانست، مانع از حضور زائران در عتبات عالیات گردد. به گونه‌ای که در سال ۱۸۷۷م/۱۲۹۴ق به واسطه وقوع بیماری وبا در عراق، دولت قاجار، مسافرت زائران ایرانی به عراق را ممنوع و در مقابل، آنان را تشویق به زیارت امام هشتم در مشهد الرضا نمود. (Litvak, 2002: 33)

هر چند تلاش برای جایگزینی مشهد به جای شهرهای نجف و کربلا به جایی نرسید، اما کاهش ناگهانی تعداد زائران ایرانی در عتبات عالیات، برای مدت مدیدی، تأثیر بسیار نامطلوبی بر اقتصاد عراق بر جای گذاشت. این مسئله نه تنها وابستگی شهرهای مقدس را به سفرهای زیارتی، به عنوان منبع مهم درآمد نشان داد، بلکه آسیب‌پذیری آنها را نیز به

تأملی بر نقش زائران ایرانی در رونق اقتصادی ... ۳۵

خوبی مشخص ساخت. (آل محبوبه، ۱۹۸۶: ۱۳۲) در طی جنگ جهانی اول، تعداد زائران عتبات به شدت کاهش یافت و کاهش زائران، اقتصاد شهرهای مقدّس را با رکود شدیدی مواجه نمود. یکی از نتایج اولیه این واقعه، تورّم شدیدی بود که در طیّ این سالها اتفاق افتاد، به گونه‌ای که قیمت یک حلب نفت سفید در نجف، در حالی که تا قبل از شروع جنگ ۵ روپیه بود، در سال ۱۹۱۹م/ ۱۳۳۷ق به ۵۰ روپیه افزایش یافت. شهرهای کاظمین و سامرا نیز در موقعیت مشابهی قرار داشتند و از وضعیت بهتری برخوردار نبودند، این دو شهر که به عنوان دروازه‌های ورود به نجف و کربلا محسوب می‌شدند و تا قبل از شروع جنگ مملو از زائر بودند، از کمبود زائر رنج می‌بردند و اکثر منازل و کاروان‌سراهای موجود، خالی از مشتری بودند. (Nakash, 2003: 166-167)

دولت‌های ایران و عراق و مسئله زائران

همان‌گونه که ذکر شد، تا پیش از جنگ جهانی اول، ایرانیان با میانگین حضور صد هزار نفر در سال، نود درصد از زائران خارجی عتبات را تشکیل می‌دادند. هر چند در جریان جنگ جهانی اول، از این تعداد به شدت کاسته شد و انتظار می‌رفت که با پایان یافتن جنگ، سفر زائران ایرانی با همان حجم و حتی بیشتر، از سر گرفته شود، اما به زودی مشخص شد میزان حضور زائران، بسته به عوامل جدیدی چون سیاست‌های دولت ایران و عراق متغیّر خواهد بود. در فاصله سال‌های ۱۹۲۸-۱۹۲۱م/ ۱۳۴۶-۱۳۳۹ق روابط خصمانه ایران و عراق به شدت به ورود زائران ایرانی به عراق و اقتصاد عتبات عالیات آسیب رساند. (ابراهیم، ۱۹۹۶: ۶۹) در سال ۱۹۲۳م/ ۱۳۴۱ق ایران که هنوز دولت جدید عراق را به واسطه پاره‌ای از مشکلات در روابط دو کشور، به رسمیت نشناخته بود، ورود زائران ایرانی به عراق را ممنوع اعلام نمود. در متن متّحدالمآل وزرات خارجه در

۳۶ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

این مورد آمده است: «وزارت خارجه، اهالی تهران و ولایات دیگر را متذکر می‌شود که بنا بر تصمیم اولیاء دولت، جز به اشخاصی که در بین‌النهرین سکنی داشته یا مشغول به تجارت هستند و یا از آنجا عبور خواهند نمود، تذکره داده نخواهد شد». (مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، پرونده شماره ۲۳، کارتن ۲۹، سال ۱۳۰۴) این مسئله باعث گردید تا از تعداد زائران، به شدت کاسته شود. به عنوان مثال در حالی که در فاصله سال‌های ۱۹۰۵م/ ۱۳۲۳ق تا ۱۹۱۴م/ ۱۳۳۲ق میانگین عبور سالیانه زائران ایرانی از خانقین ۳۷۰۰۰ نفر بود، این رقم در سال‌های ۱۹۱۹م/ ۱۳۳۷ق تا ۱۹۲۸م/ ۱۳۴۶ق به ۱۷۵۶۹ نفر کاهش یافت. (Nakash, 2003: 168)

در سال ۱۹۲۴م/ ۱۳۴۲ق، روزنامه شیعی/عرفان، چاپ لبنان، با چاپ مقاله‌ای به تشریح رکود اقتصادی شهرهای زیارتی عراق در نتیجه کاهش زوآر پرداخت. نتیجه حاصل از اتخاذ چنین سیاستی را می‌توان در خلال گزارش کنسول ایران در نجف در مورخ ۴ فروردین سال ۱۳۰۴ جستجو کرد. در این گزارش آمده است:

به واسطه نیامدن زوآر، اهالی نجف بالعموم در ضیق هستند. اغلب کسبه ورشکست می‌شوند. طلاب در نهایت سختی معیشت، زندگانی می‌نمایند و معیشت اغلب علما و طلاب با ورود زوآر بوده، وجوهات خیلی کم می‌رسد. از جمله دو هزار روپیه از تبریز، هر ماه پول نان به طلاب می‌فرستادند و از بس که آقایان از همدیگر به صاحب پول، بدنویسی کردند، دو ماه است آن را قطع کرده‌اند و تا چند ماه دیگر، اگر راه آمدن زوآر باز نشود، اغلب طلاب خیال مهاجرت به ایران دارند. حکومت محلی (نجف) در نهایت تلاش است و بلکه هم دستور مخصوص دارند که هر وقت آقایان علما و مسافرین محترم را ملاقات می‌نمایند، التماس و ساطت باز شدن راه را می‌نمایند و چند مرتبه به خود بنده، قائم مقام گفته که اظهار رضایت از مواظبت حکومت در آسایش زوآر به مقامات عالیه عرض کنید، بلکه راه باز شود. (مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، پرونده شماره ۲۳، کارتن ۲۹، سال ۱۳۰۴)

تأملی بر نقش زائران ایرانی در رونق اقتصادی ... ۳۷

البته در این میان، از سیاست‌های دولت عراق و مقامات انگلیسی نیز نباید غافل شد که هر چند کمبود زائران را ضربه بر اقتصاد شهرهای مقدّس می‌دانستند، اما در عین حال، از این مسئله هم چندان ناراحت نبودند. آنان که حضور زوّار را وسیله‌ای برای نفوذ بیشتر ایران در عراق می‌پنداشتند، از کاهش تعداد زائران استقبال می‌نمودند. (Litvak, 2001: 12) در واقع به دنبال جنگ جهانی اول، اشغال عراق توسط انگلیس (۱۹۱۴م/ ۱۳۳۲ق) و تأسیس حکومت سلطنتی (۱۹۲۱م/ ۱۳۳۹ق) در این کشور، هم مقامات انگلیسی و هم دولتمردان عراقی، توجه زیادی به مسئله حضور ایرانی‌ها در عراق نمودند. تأثیر عمیق مراجع ایرانی بر جامعه شیعی عراق و نقش برجسته آنان در حرکت جهاد (۱۹۱۴م/ ۱۳۳۲ق) و انقلاب ۱۹۲۰م/ ۱۳۳۸ق، علیه انگلیسی‌ها،^۱ باعث گردید که حتی قبل از تأسیس حکومت سلطنتی، انگلیس در اندیشه مقابله با نفوذ ایرانیان، به ویژه علمای ایرانی بيفتد. (ابراهیم، ۱۹۹۸: ۴۷) از این رو مخالفت مراجع با معاهده بریتانیا - عراق و برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان در این کشور، بهانه اخراج مراجع شیعی ایرانی از عراق گردید. در تیرماه سال ۱۳۰۳ دولت عراق اندیشه کاهش نفوذ ایرانیان را با اخراج علمای ایرانی از این کشور عملی نمود. در مجموع، بنا به اعلام کنسول ایران در کربلا، محمّدحسین بدیع (نصرت الوزاره)، چهل و چهار نفر از علما و همراهانشان وارد ایران شدند که از میان آنان می‌توان به سید ابوالحسن اصفهانی، میرزا حسین نائینی، میرزا مهدی و میرزا احمد اخوان آیت‌الله زاده خراسانی، شیخ جواد (فرزند) صاحب جواهر، میرزا علی شهرستانی و سیدحسن حجّت طباطبایی اشاره کرد. (مرکز اسناد وزارت امور خارجه،

^۱ پس از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴م، انگلستان منطقه عراق را اشغال کرد و این کشور از امپراتوری عثمانی جدا گردید. اشغال عراق از سوی بریتانیا، واکنش سریع علما و مراجع شیعه را به دنبال داشت. در نتیجه فتوای این علما، مجموعه‌ای از قیام‌ها بر ضد اشغالگران انگلیسی آغاز شد که اوج آن، انقلاب ۱۹۲۰م بود. در طی پنج ماهی که این انقلاب به طول انجامید، اگرچه دامنه نفوذ آن به بیشتر مناطق عراق کشیده شد، اما در نهایت به واسطه پاره‌ای از ضعف‌ها، انقلابیون در مقابل نیروهای اشغالگر شکست خوردند.

۳۸ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

پرونده شماره ۲۰، کارتن ۲۷، سال ۱۳۰۲) هر چند ملک فیصل بعدها با شرط عدم دخالت در سیاست، اجازه بازگشت مجدد علما به عراق را داد، اما نکته قابل توجه در این میان، تأثیر خروج علما بر شرایط اقتصادی عتبات است. در آستانه بازگشت علما به عراق، *اعتمادالوزاره*، کنسول ایران در نجف، در گزارش تحلیلی جالبی از تبعات مهاجرت علما به تهران می‌نویسد:

این حرکت آقایان که چند ماهی بیش نیست، ثابت نمود بر حکومت بین‌النهرین که عراق عرب از مرکزیت تجارت و عایدات وارده به واسطه نیامدن زوآر و نبودن آقایان، افتاده و بازارها روزبه‌روز کسادتر شده و می‌شود. عن‌قرب فقر عمومی اعلان می‌شود، تا اینکه اشخاص، مطالب را به حکومت بین‌النهرین فهمانند و از طرف حکومت بغداد تلگرافاً آقایان *آمیرزا مهدی آیت‌الله زاده خراسانی* و آقای آقاشیخ جواد صاحب جواهر را دعوت نمودند که این قضایای مراجعت آقایان علمای عظام را به بین‌النهرین حل نمایند. شاید منافع اقتصادی و تجارت عراق عرب، برگشت نماید و از حالت افلاس و فقر بازارهای بین‌النهرین و جمعیت خدام خارج شوند. (همان)

این گزارش به خوبی وابستگی اقتصادی عتبات را به ورود زائران نشان می‌دهد. در دسامبر سال ۱۹۲۴م/ ۱۳۴۲ق رضاخان که در آن زمان، مقام رئیس الوزراء را بر عهده داشت، از عراق دیدن نمود. در جریان ملاقات مجتهدین با وی در نجف، از رضاخان خواسته شد تا اجازه ورود زائران ایرانی به عراق داده شود؛ زیرا حیات اقتصادی شهرهای مقدس، وابسته به ورود زائران بود. (همان) چندی بعد، رضاخان در پاسخ به درخواست مجتهدین، ممنوعیت سفر زوآر به عتبات را لغو نمود. هر چند در اواخر شهریور ۱۳۰۴ به دستور سردار سپه صدور گذرنامه برای زائرین عتبات آزاد شد، اما در این میان، توجه به دو نکته ضروری است:

الف) نخست آنکه، لغو ممنوعیت سفر زوآر به عراق از سوی سردار سپه، در شهریور ۱۳۰۴ که به نظر تصمیمی سیاسی برای جلب نظر علما برای همراهی با تغییر

تأملی بر نقش زائران ایرانی در رونق اقتصادی ... ۳۹

سلطنت ایران از قاجاریه به پهلوی بود، در ماه‌های بعد، بار دیگر از سوی مقامات ایرانی مورد تردید قرار گرفت و در طی سال‌های بعد، دستورالعمل‌های جدیدی در مورد زائران ایرانی به عراق وضع گردید. (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۷۳) این دستورالعمل‌ها، مسافرت زائران را تا حدودی قانونمند نمود و مانع از حضور گسترده آنان در عراق، به شیوه سال‌های قبل گردید.

ب) اما نکته دوم آنکه گسترش و توسعه سیستم حمل و نقل و افزایش وسایط نقلیه جدید، روش مسافرت و طول اقامت زوار را در عراق تغییر داد. این تغییرات باعث شد تا عتبات عالیات، حداقل از بخشی از درآمدها و سودهای سابق، محروم شوند. توسعه خطوط راه‌آهن عراق موجب شد تا از این به بعد، زوار با حداکثر سرعت و حداقل هزینه، سفرهای زیارتی را به پایان برسانند. طول اقامت زائران در عراق به شکل محسوسی کاسته شد و آنان ترجیح می‌دادند به جای استفاده از حیواناتی چون اسب و قاطر، با استفاده از وسایط نقلیه جدید، مسافرت راحت‌تر و سریع‌تری داشته باشند. (Nakash, 177: 2003) سه خط اصلی راه آهن که در فاصله سال‌های ۱۹۲۱م/ ۱۳۳۹ق تا ۱۹۲۳م/ ۱۳۴۱ق توسعه بیشتری یافتند، وظیفه انتقال زائران را بر عهده داشتند. این خطوط سه‌گانه عبارت بودند از: ۱. مسیر خانقین، بغداد، بصره، ۲. مسیر بغداد، هندیه، کربلا، ۳. و در نهایت مسیر سوم که در سال‌های بعد، احداث گردید از کربلا به سمت نجف امتداد داشت. تأمین آذوقه و مایحتاج اولیه زائران، یکی از مهم‌ترین خدماتی بود که راه‌آهن عراق ارائه می‌کرد. در سال ۱۹۲۵م/ ۱۳۴۳ق، راه‌آهن عراق شروع به فروش بلیت در ایران و هند نمود. این شرکت در طی سال‌های ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۷-۱۹۲۷م/ ۱۳۴۵ق تا ۱۹۲۸م/ ۱۳۴۶ق و ۱۹۲۸م/ ۱۳۴۶ق تا ۱۹۲۹م/ ۱۳۴۷ق به ترتیب موفق به فروش ۱۹۱۶۰، ۴۷۲۵۹ و ۷۵۴۴۷ بلیت شد. (Croker, 2004: 89)

۴۰ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

این مسئله نارضایتی عده‌ای از ساکنان شهرهای مقدس را به دنبال داشت. آنان شکایت داشتند که اکنون برخلاف گذشته، زوآر مستقیماً با استفاده از قطار به کربلا رفته و از آنجا هم به وسیله تاکسی به نجف منتقل می‌شوند. به این ترتیب، هیچ توقیفی در مسیر صورت نمی‌گرفت و در نتیجه، زوآر پول کمتری هزینه می‌کردند. علاوه بر این، دولت ایران با تصویب و اعمال برخی قوانین، میزان پول و اموالی را که هر زائر می‌توانست از ایران خارج نماید، محدود نمود. براساس این قوانین، زائران تنها به اندازه هزینه سفری کوتاه‌مدت قادر به حمل پول بودند و از همراه بردن اجناسی چون فرش به منظور فروش، منع شده بودند. (مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، پرونده شماره ۲۸، کارتن ۲۹، سال ۱۳۰۸) همچنین در فاصله سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴م دولت عراق و مقامات انگلیسی، تلاش زیادی برای سر و سامان دادن به امر مهاجرت و ورود اتباع کشورهای دیگر به عراق کردند. بر این اساس، همه زائران، ملزم به دریافت گذرنامه بودند و مدت‌زمان اقامت آنان در عراق نیز به حداکثر دو و تحت شرایط خاص، تا سه ماه کاهش یافت. (همان)

سردار سپه پس از تثبیت موقعیت خود به عنوان شاه ایران در سال ۱۹۲۶م/۱۳۴۴ق و انتقال سلطنت از خاندان قاجار به پهلوی، مجموعه‌ای از سیاست‌ها را بر ضد مذهب و علما در پیش گرفت. بخشی از این سیاست، شامل اعمال محدودیت علیه حضور زائران ایرانی در عراق و مدت اقامت آنان در این کشور بود. در فاصله سال‌های ۱۹۲۷م/۱۳۴۵ق تا ۱۹۲۹م/۱۳۴۷ق دولت ایران یکبار دیگر با خودداری از صدور گذرنامه، مسافرت زائران به عراق را ممنوع اعلام نمود. تیمورتاش، وزیر دربار وقت ایران، طی نامه‌ای به وزیر مختار بریتانیا در تهران، ضمن تأکید بر این مسئله که زائران ایرانی در آینده، مجاز به اقامت طولانی‌مدت در عراق نیستند، بیان داشت که اتخاذ این سیاست،

تأملی بر نقش زائران ایرانی در رونق اقتصادی ... ۴۱

نه به واسطه خصومت و مقابله با دولت عراق، بلکه به منظور مصالح و منافع کشور ایران است. (Nakash, 2003: 170)

اما به نظر می‌رسد، تصویب و اجرای قانون جدید تابعیت در عراق که از آن، تحت عنوان قانون جنسیت نام برده می‌شد، بهانه‌ای برای دولت ایران، جهت ایجاد محدودیت برای سفر زائران به عراق بود. بر اساس بند «ب» ماده هشتم قانون مذکور، ذکر شده بود که: «هر کس در عراق متولد شده و به سن رشد رسیده باشد، اگر پدر او در عراق متولد شده و در موقع تولد پسرش نیز در آنجا مقیم باشد، عراقی شمرده می‌شود». (مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، پرونده شماره ۴۶، کارتن ۲۷، سال ۱۳۰۳) چنین تعبیری از تابعیت، با تصورات رایج در میان اتباع ایرانی مقیم آن کشور، منافات کلی داشت. برخی از آنان که گاه تا چندین نسل قبل از خود، در بین‌النهرین اقامت داشته، متولد شده و زندگی می‌کردند، به دلایل گوناگون، خود را ایرانی قلمداد می‌نمودند. وجود اصالت ایرانی آنان تا قبل از تشکیل عراق، مبنایی برای تسری حقوق خاص برای آن عده به شمار می‌آمد. ولی پس از آن، دولت عراق نیز نظیر هر دولت دیگری که در چارچوب تفکرات و دیدگاه‌های مدرن پا به عرصه وجود می‌گذارد، به ناچار باید مبنای قانونی برای تابعیت و اتباع خود تدوین می‌کرد و به اجرا می‌گذارد. بدیهی است چنین فرایندی در تغایر با چارچوب‌های سنتی و قدیمی خود قرار می‌گرفت. در قانون تابعیت عراق، گذشته از بند «ب» فوق‌الذکر، موارد متعددی دیگری نیز در مورد تعیین هویت و تابعیت فرد ساکن در عراق وجود داشت که شمول آنها بر تعدادی از اتباع ایرانی مقیم عراق، سبب به وجود آمدن مشکلاتی در روابط دو کشور شد. (مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، پرونده شماره ۵۲، کارتن ۲۷، سال ۱۳۰۸) از اواخر سال ۱۹۲۳م / ۱۳۴۱ق مأموران دولتی عراق، برای ترتیب مقدمات انتخابات مجالس مقننه آن کشور، شروع به سرشماری نفوس براساس قانون

۴۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

تابعیت (جنسیت) کردند. عراقی قلمداد کردن عده‌ای از ایرانی‌های مشمول بند «ب» قانون مزبور، اعتراضات گسترده کنسول‌های ایرانی را به دنبال داشت. از آن جمله، کنسول ایران در کربلا، در نامه‌ای به وزارت خارجه نوشت: «در کربلا شایع است این تحریر نفوس برای این است که ایرانیان را ملزم به قبول تابعیت عراق یا ترک توطن از اینجا بنمایند». (همان: پرونده شماره ۴۶، کارتن ۲۷، سال ۱۳۰۳) چند هفته بعد، کنسول ایران در نجف گزارش داد: اگر این احصائیه ادامه یابد، در نجف چند خانه بیشتر ایرانی نخواهد بود. عموم ایرانیان از این پیشامد، به کلی مشوش و در هراس هستند هر روز به کنسولگری آمده و کسب تکلیف می‌کنند. (همان)

از سوی دیگر به دنبال اجرای قانون سربازگیری اجباری در عراق، بر اساس قانون مذکور، هر کسی که به موجب قانون تابعیت، پدرش در عراق متولد و خودش هم در آنجا متولد شده بود، عراقی محسوب می‌شد و باید خدمت نظام را انجام می‌داد، مگر آنکه تغییر تابعیت می‌داد. بر این اساس، هر تبعه خارجی مقیم عراق به دلیل عدم انجام خدمت نظام، می‌بایست مقداری مالیات پرداخت می‌نمود. بدیهی است اجرای چنین قانونی اعتراض ایرانی‌های مقیم عراق را به دنبال داشت.

اما علاوه بر مسئله قانون تابعیت، شیوع بیماری وبا در بصره، بدرفتاری مأموران گمرک عراق با زوار ایرانی و شرایط بد بهداشتی کشور عراق، از عوامل دیگری است که در منابع وزارت خارجه ایران به عنوان دلایل ممنوعیت سفر زائران به عراق بیان شده است. (همان: پرونده شماره ۵۲، کارتن ۲۷، سال ۱۳۰۸) به عنوان مثال کنسول ایران در نجف در پاسخ به درخواست‌های حاکم نجف مبنی بر گشایش راه ورود زوار به عتبات عالیات می‌گوید:

دولت ایران با این صدمات زیادی که به ایرانیان و تجار مقیم اینجا می‌رسد، باز هم راضی نیست راه (ورود زوار) باز شود، تا اینکه قرار آسایش و احترام زوار و ایرانیان را اعراب

تأملی بر نقش زائران ایرانی در رونق اقتصادی ... ۴۳

و خصوصاً مأمورین و خدمهٔ روضات مقدّسه فراهم و مرعی بدارند. (همان: پروندهٔ شمارهٔ ۲۳، کارتن ۲۹، سال ۱۳۰۴)

همچنین در این باره سرکنسول ایران در بغداد از ملاقات خود با شیخ العراقین در عتبات یاد کرده و اینکه شیخ العراقین گفته بود «اگرچه به واسطهٔ نیامدن زوّار ضررهای سختی به ایرانیان بین‌النهرین وارد آمده، ولی برای تأدیب حکومت عراق و تصحیح رفتار آن حکومت با زوّار، قدغن زوّار ضرری ندارد». (همان)

دولت ایران همچنین در سال ۱۹۲۸م/ ۱۳۴۶ق با جلوگیری از مسافرت زائران خانهٔ خدا از طریق خاک عراق، استفاده از مسیر نجف به مدینه را ممنوع اعلان کرد. این مسیر به طور سنتی مورد استفادهٔ بسیاری از ایرانیان بود که بعد از زیارت عتبات عالیات در عراق، از طریق آن، وارد عربستان می‌شدند. در برخی از گزارش‌های مأموران سیاسی ایران در عراق، عبور سالیانه بیش از ده هزار حاجی ایرانی از آن کشور خبر داده شده است. بدین ترتیب، بخشی از پولی که به هنگام سفر حج در شهرهای مذهبی هزینه می‌شد، اکنون در مسیرهای دیگری خرج می‌گردید. اعمال سیاست محدودیت سفر زائران ایرانی به عتبات، تقریباً در سراسر دهه‌های ۱۹۳۰، ۴۰ و ۵۰ ادامه یافت و حتی در برخی از موارد، با شدت بیشتری دنبال می‌شد. پس از وقوع جنگ جهانی دوم و کاهش شدید تعداد زائران، یک بار دیگر اوضاع اقتصادی شهرهای مقدّس و به ویژه نجف و کربلا مختل گردید. در جریان ورود نیروهای انگلیسی و روسی به ایران، در آگوست ۱۹۴۱م/ ۱۳۶۰ق، مجتهدین ساکن در عتبات به واسطهٔ سیاست‌های رضاشاه در قبال مذهب و از جمله ایجاد محدودیت برای سفر زائران به عتبات، هیچ‌گونه موضعی در حمایت از وی اتخاذ ننمودند. (النفیس، ۲۰۰۵: ۲۴)

اگرچه امیدهایی وجود داشت که با ورود نیروهای روس و انگلیس به ایران و با لغو محدودیت‌های زمان رضاشاه، یک بار دیگر سفرهای زیارتی به عتبات، به شکل گسترده

۴۴ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

آغاز گردد، اما اندکی بعد از پایان جنگ دوم جهانی و سیاست‌های دولت جدید ایران در این زمینه، امیدهای موجود به یأس بدل شد. (Litvak, 1999: 165) هر چند در طی دوران کوتاه‌مدت نخست‌وزیری مصدق (۱۹۵۱-۱۹۵۳م / ۱۳۷۰-۱۳۷۱ق) زائران ایرانی یک بار دیگر و در مقیاس گسترده، راهی عراق شدند، اما در طی سال‌های بعد، تعداد آنان به شدت کاسته شد؛ به گونه‌ای که در طول سال، تعداد آنها از دو هزار نفر هم تجاوز نمی‌کرد. در مجموع می‌توان گفت، کاهش سفرهای زیارتی ایرانیان به عتبات در زمان رژیم سلطنتی عراق، عامل مهمی در رکود اقتصادی عتبات عالیات، از جمله نجف و کربلا بود. (Nakash, 2003: 171)

البته همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، دولت‌های حاکم بر عراق نیز از یک سو به منظور کاهش نفوذ ایرانیان و از سوی دیگر به منظور تقویت جایگاه اقتصادی و اجتماعی بغداد در برابر عتبات عالیات، چندان هم از کاهش تعداد زائران ایرانی ناراحت نبودند. ضمن آنکه افزایش میزان درآمدهای عراق از محل فروش نفت، کاهش درآمدهای حاصل از ورود زائران را جبران می‌نمود و از این جهت، فشاری بر دولت عراق وارد نمی‌شد. (هاشم، ۱۹۸۶: ۸) این مسئله در دوره‌های بعد از رژیم سلطنتی در عراق و مخصوصاً در زمان حاکمیت حزب بعث ادامه پیدا نمود. با آغاز جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، انجام سفرهای زیارتی به طور کلی قطع گردید و بدین ترتیب، نجف و کربلا از یکی از مهم‌ترین منابع درآمد خود، محروم گردیدند.

نتیجه

تا پیش از استقلال عراق از امپراتوری عثمانی، ایرانیان در مقیاسی گسترده و به منظور زیارت عتبات عالیات راهی عراق می‌شدند. آخرین جنگ‌های ایران و عثمانی در

تأملی بر نقش زائران ایرانی در رونق اقتصادی ... ۴۵

سال ۱۸۴۷م/ ۱۲۶۳ق با انعقاد عهدنامهٔ دوم خاتمه یافت. آرامش نسبی‌ای که این پیمان برای ناحیهٔ مرزی عراق به وجود آورد، ورود زائران و ارسال وجوهات دینی از ایران به عراق را تسهیل نمود. وجود اماکن مقدّس، علما و مراجع تقلید در عراق، باعث می‌شد تا سالیانه هزاران نفر از ایرانیان، راهی این کشور شوند. حضور گستردهٔ زائران، تأثیر عمیقی بر زندگی مذهبی و اقتصادی عتبات عالیات داشت. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که بخشی از رونق اقتصادی این شهرها، وابسته به ورود زائران بود. به دنبال جنگ جهانی اوّل، اشغال عراق توسط انگلیس و تأسیس حکومت سلطنتی در این کشور، ورود زائران ایرانی به عراق به تدریج با محدودیتهایی از طرف دولت‌های حاکم بر ایران و عراق مواجه گردید. گزارش منابع محلی و رسمی عراق در آن زمان، نشان می‌دهد که کاهش حضور زائران، رکود اقتصادی شهرهای زیارتی را به دنبال داشته است. با قدرت‌گیری حزب بعث و با آغاز جنگ تحمیلی، سفرهای زیارتی به طور کلی قطع شد؛ بنابراین عتبات عالیات از یکی از مهم‌ترین منابع درآمد خود محروم ماند. امروزه با سقوط حزب بعث و آغاز مجدد سفرهای زیارتی، به نظر می‌رسد شهرهای مقدّس می‌توانند با احیای این منبع درآمد، در رونق اقتصادی خود بکوشند.

٤٦ فصلنامه تاريخ روابط خارجي

منابع

فارسي:

استرآبادي، ميرزا مهدي خان، (١٣٤١)، *جهانگشاي نادري*، به اهتمام عبدالله انوار، تهران: انجمن آثار ملي.
كوهستاني نژاد، مسعود، (١٣٨٤)، *چالشها و تعاملات ايران و عراق در نيمه نخست سده بيستم*، تهران: مركز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

عربي:

آل محبوبه، جعفر الشيخ باقر، (١٩٨٦)، *ماضي النجف و حاضرها*، بيروت: دارالضواء.
ابراهيم، فواد، (١٩٩٨)، *الفقيه و الدوله - الفكر السياسي الشيعي*، بيروت: دارالكنوز الادبيه.
_____، (١٩٩٦)، *الطائفية و السياسة في العام العربي (نموذج الشيعه في العراق)*، دمشق: مكتبه مدبولي.
الحيدري، ابراهيم فصيح، (١٩٩٨)، *عنوان المجد في بيان احوال بغداد و البصره و نجد*، لندن: دارالحكمه.
النجار، محمود، (١٩٨٠)، *الثورة الايرانية*، بيروت: دارالسمير.
النفيس، احمد راسم، (٢٠٠٥)، *الشيعه في العراق بين الجذور الراسخه و الواقع المتغير*، قاهره: مركز المحروسه للنشر و الخدمات الصحيفه و المعلومات.
النصراوي، عباس، (٢٠٠٢)، *مستقبل الاقتصاد العراقي*، بغداد: صحيفه بغداد.
هاشم، جواد، (١٩٨٦)، *لمحات في تطور الاقتصاد العراقي*، قطاع التجاره الخارجيه، بيروت: المؤسسة العربيه.

لاتين

Batatu, Hanna, (1987), *Iraq Shia, The political role and the process of their integration in to society*, Washington, Georg town university centre for contemporary Arab studies.

Crocker, Bathsheba, (2004), *Reconstructing Iraq Economy*, the Washington quarterly, Autumn.

تأملی بر نقش زائران ایرانی در رونق اقتصادی ... ۴۷

Litvak, Meir, (1999), *the finances of the ulama communities of Najaf and Karbala*, kninklijke, bril, nv.

—————, (2001), *money, and politics the oudh bequest hn Najaf and Karbala*, Cambridge university press, 2001.

—————, (1998), *Shi'i scholars of nineteenth-century Iraq = the ulama" of Najaf and Karbala' Karbala'*, New York: Cambridge University Press.

—————, (1971-1904), *continuity and chnge in the ulama population of Najaf and Karbala*, British journal of middle eastern studies (2002).

Nakash, Yitzhak, (2003), *the Shiis of Iraq*, Princeton university press.